برای چهلم دکتر رضا یوسفیان

فرزند شایسته ایران

میثم سعیدی

دکتر رضا یوسفیان، پزشک متخصص، متعهد و دوراندیش، جانباز آزاده و ایثارگر وارسته، پاک‌نهاد و خیرخواه، مخلص و زلال، مدافع آزادی و عدالت، جست‌وجوگر حق و حقیقت با سابقه درخشان و پرافتخار دفاع از میهن و حقوق اساسی ملت در ایام جنگ، دانشگاه، شورای شهر و مجلس، هزار افسوس که چه زودهنگام به واسطه سرطان از میان ما رفت! هنوز باورم نمی‌شود، ۴۰ روز از آسمانی‌شدنش می‌گذرد. نگارنده افتخار و توفیق سال‌ها همکاری، همدلی و مجالست با این سرمایه بزرگ و تحسین‌برانگیز و همواره لبخند به لب را داشته‌ام و اکنون چه سخت و دشوار است که برای چهلم یکی از بهترین فرزندان شایسته ایران بنویسم! در ۴۰ روز گذشته دوستانش مرقومه‌های بسیاری برای ایشان نوشتند، در این مقاله کوتاه بر آنم تا چند ویژگی و دغدغه‌های ارزشمند این قهرمان ملی را هرچند خلاصه با مخاطبان به اشتراک بگذارم.

۱ تجربه زیسته رضا یوسفیان منحصربه‌فرد بود و این ویژگی، با بسیاری دیگر از هم‌نسلانش نقطه تمایز ایجاد می‌کرد. طی‌کردن این مسیر پرفراز و فرود و عبور هوشمندانه از این گذرگاه او را در جایگاهی رفیع و بی‌بدیل نشانده بود. رضا، متولد ۱۳۴۶ بود و در اوج نوجوانی، انقلاب ایران را تجربه کرد. با توجه به شرایط خطیر ابتدای دهه ۶۰ بسیار زود برای دفاع از وطن به جبهه می‌رود و در ۱۶سالگی به اسارت دشمن درمی‌آید که رهاورد آن هشت سال دوری، شکنجه، اذیت و آزار، رنج و تحمل مصیبت‌های فراوان است. با این حال امیدوارانه ایام طولانی اسارت را تبدیل به فرصتی برای خودشناسی، خودسازی، یادگیری و تحول می‌کند. او توانسته بود در متن رنج و مرارت، خلق فرصت کند و به خودشکوفایی دست یابد. چندین مهارت زبانی اعم از انگلیسی، عربی و آلمانی را فرامی‌گیرد و آموخته‌های وی در سال‌های حضور در مجلس به عنوان نماینده مردم می‌شود آورده‌اش برای مؤثرشدن. او علاوه بر یادگیری، صبر، استقامت و مدارا و همچنین امیدواربودن را در خود پرورش می‌دهد، هویتش صیقل می‌خورد و سیاه‌ترین روزهای اسارت را به روشنایی و امید تبدیل می‌کند. این تجربه‌ها از او شخصیتی آرام، صبور و باوقار و کم‌نظیر ساخته بود که حضورش مایه آرامش و امنیت خاطر دیگران بود و او را شایسته لقب «اقیانوس آرام» می‌کرد. ظاهر رضا آرام بود اما نهادش بس ناآرام، بی‌قرار و سرشار از دغدغه‌های مسئولانه و خیرخواهانه. این آزاده سرافراز پس از بازگشت به وطن بر کرسی دانشجوی پزشکی دانشگاه شیراز نشست؛ نه فقط برای درس‌خواندن صرف و پزشک‌شدن بلکه دانشگاه می‌شود دریچه ورودش به اندیشه‌ورزی، سیاست‌ورزی و کنشگری اجتماعی مؤثر برای تعیین سرنوشت خود و هم‌وطنان؛ و در این عرصه نیز چه خوش درخشید. گویی برای رضا مسئولانه در متن بودن یک اصل بود؛ چه این متن صحنه دفاع از کشور باشد چه عرصه دفاع از حقوق اساسی ملت. در ایام اسارت فراتر از صبر و استقامت حرکت کرد. از همراهان آن ایام سخت شنیدم که در آن مقطع برای مقابله با ظلم فاحش علیه اسرای ایرانی، از خود گذشتن و تقدم دیگران بر خود را سرلوحه قرار داد و با تدبیر مثال‌زدنی زمینه افشاگری علیه دست‌اندرکاران اردوگاه را فراهم کرد! از هشت سال حضور وی در اسارت می‌توان سریال طولانی ساخت اما رضا حتی به اندازه یک ساعت هم از آن هشت سال سخن نگفت حتی با اصرار دوستان نزدیکش! برخلاف عده‌ای که بدون حتی یک روز تجربه آن ایام به اندازه هشت سال روایت کاسبکارانه به خورد دیگران می‌دهند! حتی کمتر از رضای جانباز و آزاده روایت شنیدیم و نگارنده نیز پس از مرگ او متوجه یکی از مجروحیت‌هایش به‌واسطه اصابت گلوله در ایام جنگ شدم که هرگز درباره آن حرفی به میان نیاورد.

۲ یوسفیان، انسانی باهوش بود؛ علاوه بر هوش عقلی بالا، از هوش هیجانی قابل توجهی نیز برخوردار بود اما فصل ممیزه رضا با بسیاری دیگر، برخورداری از هوش شرافت (Decency Quotient-DQ) بود که عنصر کمیاب در سپهر کنشگری روزگار ماست. هوش شرافت به او همدلی و همراهی مراقبت از همراهان و همنوعان را نیز عطا کرده بود و باعث می‌شد او برای «انسان»، مهربان و دلسوز باشد، فارغ از عقاید و سلایق، بهترین‌ها را برای آنها طلب کند و مدافع حقوق بنیادی آنها شود. همواره تلاش می‌کرد آنچه را درست است، انجام دهد حتی زمانی که انجام عملی دشوار و توأم با خطر و ریسک باشد. او در ردای نمایندگی مردم مدافع سرسخت حقوق اساسی همه بود، آرزوی رفاه در شأن ملت را داشت و از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که این مهم را هدف قرار می‌دادند پشتیبانی می‌کرد. انصاف، صداقت، پاکدستی در کنار اخلاقی زیستن منشور طلایی رفتاری ایشان بود. دکتر یوسفیان مسئولیت‌پذیر بود و مسئولیت رفتارها و اعمال خود را بر عهده می‌گرفت و در قبال آنها پاسخ‌گو بود و اگر لازم بود به اشتباه خود اعتراف می‌کرد. شرافت عامل مهم و همیشه همراه او بود برای همین هم با احترام و وقار رفتار می‌کرد و می‌توانست اعتماد موافق و مخالف خود را جلب کند و شده بود احترام‌برانگیز. انسان‌های با ضریب هوش شرافت بالا نمی‌توانند موافق بی‌عدالتی، ظلم، دروغ و بی‌انصافی باشند و رضا از ضریب هوش شرافت بالایی برخوردار بود و تصمیم‌گیری‌هایش آگاهانه.

۳ رضا یوسفیان از موهبت دیگری نیز برخوردار بود که کمتر به آن توجه شده و آن نوعی توانایی شناختی یا هوش فرهنگی (cultural quotient-CQ) است. به این معنا که توانایی تشخیص و سازگاری با طیف وسیعی از تفاوت‌های فرهنگی افراد و محیط‌های مختلف را پیدا کرده بود. قابلیت سازگاری با ناهمگون‌ها و برقراری ارتباط با تفاوت‌های متنوع، از همین ویژگی برجسته او سرچشمه می‌گرفت. با تغییرات شرایط محیطی انعطاف‌پذیری و سازگاری پیدا می‌کرد و شاید این مهم را در ایام سخت اسارت به‌درستی آموخته بود. او در خود قابلیت «چندبینشی» را پرورش داده بود و این مهم ظرفیت انطباق با تفاوت‌ها را در او فراهم کرده بود. به همین دلیل در میان دوستان او طیف وسیع افراد با سلیقه‌های فکری و خاستگاه‌های متفاوت را به‌وفور می‌توان یافت و این خصیصه یوسفیان را تبدیل به حلقه اتصال و ارتباط‌دهنده مجموعه‌های مختلفی در شبکه روابط اجتماعی کرده بود. امری که برای مناسبات بین‌الاذهانی در سپهر اندیشه‌ورزی در دنیای جهانی‌شده امروز از ضرورت‌های بنیادی است. مهارت چندزبانه سخن‌گفتن ایشان به همراه هوش شرافت او، آرامش و صبوری توأم با شوخ‌طبعی مزید بر علت شده بود. از هوش فرهنگی بالای رضا نوشتم؛ ظرفیتی که سبب می‌شد مؤثرتر و موفق‌تر از دیگران، الگوهای جدید را در تعاملات خویش بیاموزد و کنش‌های رفتاری مناسبی را برای خود تعریف کند. انعطاف‌پذیری به او اجازه می‌داد تا به سرعت و به راحتی با محیط‌های فکری جدید سازگار شود و می‌توانست رفتار خود را متناسب با زمینه‌های فرهنگی مختلف تنظیم کنند. او با افراد با اندیشه و بینش‌های متمایز با احترام و به نحوی سخن می‌گفت که گویی سال‌هاست آنان را می‌شناخت و طرف مقابل با وجود پیشینه‌ای کاملا متفاوت برای بیان نگاهش، نه‌تنها اندکی احساس بیگانگی نداشت بلکه احساس استقبال و ارزشمندی می‌کرد. همه اینها در کنار برخورداری از ذهن باز و قابلیت ارتفاع‌گرفتن کلید ورود به سپهر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و همچنین غلبه بر فاصله‌های روانی (Psychic distance) و منابع تعارض، به‌عنوان نیاز گمشده امروز و فردای ماست که می‌توان چالش‌های در حال ظهور مدرنیته و توسعه را بهتر فهمید و در مسیر این تحول نقش میانجیگری داشت. حسب این خصیصه، در منظومه فکری و رفتاری دکتر یوسفیان گفتمان سازش بر گفتمان ستیز تفوق داشت.

۴ علاوه بر دو مهارت برجسته یادشده، وی مهارت ارزشمند و کمیاب شناختی و ذهنی دیگری را هم در طول مسیر زندگی خود کسب کرده بود و آن مهارت تفکر انتقادی (Critical Thinking) به‌عنوان نقطه تمایز دیگر یوسفیان بود. با این مهارت، قدرت محک‌زدن مسئله‌ها را داشت و می‌توانست پرسش‌های مناسبی را مطرح کند و استدلال‌ورزی‌هایش مبتنی بر یک هندسه فکری منظم، متین و استوار باشد. هنگامی که با او هم‌بحث می‌شدید، با سوگیری مناسب و بررسی تمام جوانب به یک نتیجه قابل اطمینان دست می‌یافتید. به واسطه برخورداری از تفکر انتقادی، او سنجیده سخن می‌گفت؛ ضمن آنکه توجهی ویژه به مخاطب خود داشت. منتقد بود اما انتقادش بر پایه‌های منطقی، مستدل و محکم بنا می‌شد و هرگز در پی ایرادگیری، عیب‌جویی و سفسطه‌بازی نبود و در تلاش بود تا از سوگیری و پیش‌داوری پرهیز کند. دیگران را قضاوت نمی‌کرد یا اگر قضاوتی می‌کرد حتما معقولانه و منصفانه بود. از تفکر انتقادی برای کسب دانش و داشته‌های جدید و خودشناسی بهره می‌گرفت و برای درست فکرکردن تمرین مداوم می‌کرد و در نهایت، اگر لازم بود برای یادگیری سرمایه‌گذاری می‌کرد. با همین رویکرد، تلاشی مستمر برای آشنایی با تئوری‌ها و نظریه‌های مختلف در حوزه مورد علاقه‌اش داشت و البته چرخ را از نو اختراع نمی‌کرد و تجربه‌ها و نظریه‌های دیگران را در مطالعه می‌گرفت تا بتواند پاسخ مناسب‌تری برای مسئله‌های امروز بیابد. مسئله‌محور بود و خبری از خودمحوری در رفتارش نبود. با این رویکرد، رضا علاوه بر دانش تخصصی پزشکی، با کنجکاوی و سماجت در جست‌وجوی معرفت‌های متنوع دیگر نیز بود. یادگیری دائم او ریشه در این رویکرد داشت. دکتر یوسفیان مهارت خوبی برای جداکردن مشکل و مسئله از موقعیت داشت. بارها شاهد بودم که مسئله را از شخص جدا کرده و تکلیف خودش را با مسئله مشخص می‌کرد و برای طرف مقابل احترام بسیاری قائل بود. علاقه‌مند به دیدن مسئله از زاویه دید دیگران بود و در صورت نیاز نظرش را عوض می‌کرد و فهمیده بود که به‌عنوان حقیقت‌جو باید در جست‌وجوی حقیقت نزد دیگران باشد و برای این مهم وقت صرف می‌کرد.

۵ از دیگر قابلیت‌های شناختی دکتر یوسفیان، برخورداری از تفکر راهبردی (Strategic Thinking) بود؛ به این معنا که ضمن داشتن توان تحلیل مسائل پیچیده، قادر بود آینده بهتر را به همراه فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو تصور کند و نسبت به رسیدن به اهداف بلندمدت اهتمام بورزد. تصویری بزرگ‌تر از آینده توسعه‌یافته ایران با حضور همه سلایق و اقوام در ذهن داشت و هر زمان با او هم‌سخن می‌شدی، بدون شک وضعیت آینده ایران و کیفیت زندگی ایرانیان دغدغه پیوسته او بود. در این راستا، او به رؤیا و دکترین «ایران برای همه ایرانیان» و «فردای بهتر برای ایران» و الزامات رسیدن به آن باوری عمیق داشت و برای تحقق این باور کوشش می‌کرد. نمونه این تلاش و اعتقاد، اصرار او و همکارانش بر حضور همه سلایق در برهه انتخابات دوره دوم شوراها بود که در مقابل فشارهای پیدا و پنهان برای عدم تأیید نامزدهای انتخاباتی مقاومت کردند و کثیری از افراد فرصت حضور در آن انتخابات را یافتند؛ هرچند این مهم برایش پرهزینه بود. ایران را جامعه‌ای قدرتمند و قانون‌مدار می‌خواست که در آن آزادی، عدالت، همکاری جمعی عقلانی و فضیلت شهروندی به واسطه جامعه مدنی بالنده در صدر باشد و مؤثر و از دل جامعه قدرتمند و هوشیار، تولد دولتی توانا و برخوردار از سرمایه اجتماعی عظیم را آرزو می‌کرد که حاصل تعامل آن دو بهترین فرصت‌ها برای ارتقای کیفیت زندگی همه ایرانیان رقم بزنند. خوب می‌دانست اعتماد متقابل دولت-ملت موتور پیش‌برنده توسعه است. بارها و بارها شنیدم که ضمن ابراز نارضایتی از درد و رنج مردم، نظر به وجود منابع و ثروت بسیار در کشور، مردم را لایق رفاه و زندگی توسعه‌یافته می‌دانست و عوامل ضدتوسعه و عقب‌برنده آن را به نقد می‌کشید. مشاهده مناسبات اقتصادی معیوب و ترتیبات سیاسی محدود او را رنج می‌داد و اظهار می‌کرد مسیر تحول و تکامل توسعه در این مرز و بوم تا کی باید نافرجام یا کم‌فرجام باشد! علاقه برخی به بیرون‌انداختن ایران از شبکه‌های جهانی کسب‌وکار، دانش، اطلاعات و فرصت‌ها را فرصت‌سوزی جبران‌ناپذیر و جفا به نسل امروز و فردا می‌دانست. دکتر یوسفیان با همراهی و حمایت از تصویب کثیری از طرح‌ها و لوایح مترقی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مجلس ششم نقش کلیدی را در اصلاحات ایفا کرد.

مجموع این خصائص او را تبدیل به نخبه‌ای مصلح، پخته، خردمند و چند سو توان با سرمایه اجتماعی بالا کرده بود. بدون شک برای رسیدن به رشد و توسعه ایران نیازمند الگوها و مدیرانی همچون دکتر رضا یوسفیان هستیم که باید تکثیر شوند. شاید این پرسش مشابه در اینجا هم جای طرح پیدا کند که چرا پس از مرگ این سرمایه‌های انسانی، ظرفیت‌های آنان به رشته تحریر درمی‌آید؟ هزار افسوس که بهره‌گیری‌نکردن از توان چنین سرمایه‌هایی، قصه پرغصه کشور ماست و معکوس‌کردن این روند، نیازمند اراده‌های مبتنی بر نگاه توسعه‌گرا و نخبه‌سالار. رضا یوسفیان‌ها باید بر صدر بنشینند؛ چه برای سیاست‌گذاری و چه سکانداری سازمان‌های بزرگ برای تسهیل و قوام توسعه. مطمئن بودم اگر امثال ایشان فرصت خدمت‌گذاری در سطوح بالا را می‌یافتند، شاخص‌های کیفیت زندگی امروز به نحو دیگری بود. کاش اختیار می‌داشتم حداقل مجسمه رضا یوسفیان این پزشک آزاده و شریف را در ورودی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و شیراز با افتخار نصب می‌کردم تا نسل امروز و فردا بداند رضا یوسفیان شدن کلید ترقی این کشور است.

مراسم وداع و تشییع پیکر مرحوم «عماد افروغ» برگزار شد

مراسم تشییع پیکر عماد افروغ، تحلیلگر سیاسی و استاد جامعه‌شناسی و نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، صبح روز شنبه از مقابل مسجد دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش مهر، مراسم وداع با پیکر عماد افروغ روز شنبه ۲۶ فروردین ساعت ۸:۳۰ صبح از دانشگاه تهران آغاز و پیکر آن مرحوم برای تدفین در صحن حاج آقا مصطفی مرقد حرم مطهر امام خمینی به این آستان منتقل شد.

در این مراسم چهره‌های سیاسی و برجسته کشوری مانند محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، بهادری‌جهرمی سخنگوی دولت، علی ربیعی وزیر اسبق تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، احسان محمدحسنی رئیس سازمان اوج، حجت‌الاسلام سعید رضا عاملی دبیر سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی، رضا پورحسین، حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، پیروز حناچی، محمدحسین رضوی، صالحی‌امیری و سردار علایی حضور داشتند.

گفتنی است مراسم یادبود دکتر افروغ روز دوشنبه از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ در مسجد حضرت امیرالمؤمنین (ع) واقع در خیابان کارگر شمالی روبه‌روی پمپ بنزین برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه اول

تئوری خرافات سیاسی(۱)

خرافات، هم مدرن است و هم سنتی؛ ارتباط سیاست‌مداران را با سیاست واقعی (Realpolitik) به‌کلی قطع می‌کند و راهی برای فریب سیاست‌مداران توسط «راسپوتین»های شیاد فراهم می‌کند. مسئله مهم در این میان، شبه‌علم و شبه‌دانش است. اطلاعاتی ناقص از سیاست به دست می‌آورند و سپس آن را با اوهام خرافاتی خویش دگرگون می‌کنند و به خورد مردم می‌دهند؛ البته با اعتمادبه‌نفس فراوان و گاه با رزومه‌های علمی بالا. مخاطبان خود را از میان قشرهای خاصی از مردم برمی‌گزینند؛ همان‌ها که می‌توانند آنها را فریب دهند؛ همچون رمالان و فالگیران که مخاطب خود را ساده‌لوح‌ترین اقشار جامعه قرار می‌دهند. کاری به نقد اندیشمندان، متفکران و عاقلان ندارند؛ اصلا اینان برایشان مهم نیستند. اساسا اندیشمندان، متفکران و عاقلان را به سخره می‌گیرند، چون کار خود را با عوام پیش می‌برند. همچنان که رمالان و فالگیران کاسبی خویش را از جیب عوام پررونق می‌کنند، «تئوری‌پردازان» خرافات سیاسی نیز از همین طریق بر گُرده مردم سوار می‌شوند. بیشترین ابزارآلات تحلیلی آنان «قیاس» و مقایسه مشابهت‌هاست. آنان در جعبه ابزار کاسبی فریبکارانه و سخنوری‌های تبرج‌آلود خویش بر مقایسه‌های گوناگون اعم از تاریخی، سیاسی یا دینی اهتمام می‌ورزند؛ چراکه مقایسه ساده است و همگان به‌راحتی آن را «مصرف» می‌کنند. ببینید مقایسه‌های آلکساندر دوگین که هیچ مبنای محتوایی ندارند، چگونه برای مصرف کیفوری و شور و شعف خرافاتی‌ها تدارک می‌شود: «ارتدکس‌ها در تمدن مسیحی اقلیت هستند همان‌طورکه شیعیان در تمدن اسلامی اقلیت هستند؛ (بنابراین) مسیحیان ارتدکس می‌توانند هم‌پیمانان بهتری برای شیعیان باشند تا اسلام سُنی». چنین مقایسه‌های بی‌محتوایی می‌تواند به خرافات سیاسی دامن بزند، بلکه خود خرافات است و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را برای کشور فراهم می‌آورد. زمانی یک خبرگزاری اصولگرا به طریقی همدلانه نوشته بود: «پروفسور دوگین ایدئولوژی سیاسی خود را مبتنی بر این تفکر دینی می‌کند و معتقد است که ما به یک آخرالزمانی وارد می‌شویم که جنگی بین حق و باطل درمی‌گیرد که در طرف حق کشورهای شرقی مانند روسیه و ایران قرار دارند». یکی از میدان‌دهندگان به دوگین در ایران گفته بود «حضور پرفسور دوگین در ایران در این مقطع بسیار مهم است. متأسفانه در زمان‌های دیگری که به ایران آمدند، حضور ایشان دیده نشد و این برای اولین بار است که حضور ایشان در ایران مطبوعاتی شد». وی با بیان اینکه در یک فضای جدید هستیم؛ اظهار کرد: ما در کنار نیروهای روس، نیروهای حزب‌الله را می‌بینیم. این نشان می‌دهد در یک خط واحد هستیم. روسیه به صورت عملیاتی در مقابل دشمن مشترکمان ایستاده است (www.farsnews.ir/news). دوگین می‌گوید ما در دوره آخرالزمان و در وضعیت آخرالزمانی قرار داریم؛ ایران و روسیه، هم‌رزمان آخرالزمانی‌اند! او معجونی از عظمت تاریخی روسیه و امنیتی‌های سابقا کمونیست و تمدن مسیحیت ارتدکس را در هم می‌آمیزد تا با اندیشه مهدویت تشیع پیوند ایجاد کند؛ تا در نهایت اتحاد نظامی ایران و روسیه را در اوکراین توجیه کند. اینکه آخرالزمان آقای دوگین با آخرالزمان تشیع چه مشابهتی دارد بماند، اما مهم این است که چگونه این دو «آخرالزمان» با جنگ اوکراین و منافع استراتژیک روسیه پیوند رندانه‌ای بخورد. این خرافات که می‌توانست فتنه‌ای برای ما برانگیزد، فقط از توهمات «تئوری خرافات سیاسی» و طرفداران آن در ایران برمی‌آمد. برخلاف تصور «تئوری‌پردازان خرافات» که ادعای شجاعت فکری دارند، ریشه خرافات فقدان اعتمادبه‌نفس در اعتقادات و نداشتن دانش کافی در تحلیل و تبیین جهان سیاست است. آنان با خرافات سیاسی در پی آن هستند تا خود و هواداران‌شان را که از اعتمادبه‌نفس رنج می‌برند، به وجد آورند. خرافات سیاسی از آنجا که ذاتا بی‌محتواست خود را به قدرت نزدیک و به ارزش‌ها آویزان می‌کند. هرکجا که قدرتی ببیند، خود را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که مقبول افتد تا بهره شهرت، منزلت و ثروت ببرد. مهم‌تر از همه اینکه تئوری خرافات همچون تئوری توطئه این قابلیت را دارد که با ارزش‌های امنیتی خود را بیاویزد و مقامات امنیتی کشورها را فریب دهد و به انحراف بکشاند... . البته خرافه‌پردازان سیاسی در همه جای جهان وجود دارند؛ در فرانسه، انگلستان، روسیه، آمریکا و...؛ به‌ویژه در قالب راست‌های افراطی در اروپا که برای تئوری‌پردازان خرافی داخلی حکم مواد افیونی شادی‌آور را دارند و نمی‌دانند که آنان چه مارهای خوش‌خط‌وخال، سیاسی‌کاران و نژادپرستانی هستند. تئوری‌پردازان خرافات، تنها ضدیت آنان با یهود را می‌بینند و غافل هستند از اینکه آنان ضد مسلمانان نیز هستند. دعوای مهاجرت در اروپا اساسا برای بسیاری از آنان دعوای مهاجرت مسلمانان است. ان‌شاءالله، به شرط حیات، این موضوع را ادامه خواهم داد.

جدول ۴۴۷۳ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مادر عرب- ییلاق خوش آب‌وهوای شمال شرق تهران- رودی جاری در مازندران ۲- نوازنده زورخانه- نام چند تن از پادشاهان ساسانی بود- جمع شیء ۳- ماتم‌زده- محوطه بازی و مسابقه- حاکمان زندیه از این قوم بودند ۴- کهنه و فرسوده- طرحی برای قالی ایرانی ۵- سبب، دلیل- نوعی التهاب پوستی- استان ۶- ناامید- رازدار نیست- مرطوب ۷- خاک سرخ- پدرمردگان- از رهبران جنبش استقلال هند ۸- خاص- مجاور- دوستی مجدد پس از قهر ۹- خانه ساحلی- مرطوب- تکرار حرفی ۱۰- خواندن و نوشتن نمی‌داند- حامله- رهبر ۱۱- کتاب- بندری در اوکراین- ابزار، وسیله ۱۲- بامحبت- اتومبیل فاقد صندوق عقب جداگانه ۱۳- دل‌آزار کهنه- آسیب جسمی یا روحی- وزیر نامی لویی سیزدهم ۱۴- مهربان- زیستگاه اصلی گل سوسن چلچراغ در گیلان- دست‌آموز ۱۵- شادمانی و نشاط- رشته‌کوه بلند افغانستان- از چهره‌های مؤثر حزب نازی

عمودی:

۱- دیروز عرب- مشاور حیله‌گر معاویه که قرآن را بر سر نیزه کرد- گریستن بر مرده ۲- شهری معروف در ترکمنستان- نوشیدنی معروف پاکستان که از ماست تهیه می‌شود- بار ۳- تعجب و حیرت- از ماه‌های فرنگی- تکرار حرفی ۴- گردنه- سست- پیر و سالخورده ۵- محکم و بنیادی- شهری در پاکستان ۶- نوعی نقاشی- باتلاق- بخشی از دستگاه گوارش ۷- میوه خوب- پروردگار- مؤسسه ۸- پول قدیمی- آلبومی با آواز علیرضا افتخاری- مقابل رفت ۹- مفت و مجانی- گریزنده از روی ترس- ضمیر سوم‌شخص ۱۰- متفق و صمیمی- رهبر انقلاب ۱۹۱۷روسیه- پشه ۱۱- بهبود- قبیله سرخ‌پوست بومی آمریکای شمالی ۱۲- نام چند تن از پادشاهان فرانسه بود- مجموعه فیلم‌های مسابقات بوکسوری با بازی سیلوستر استالونه- خنده‌رو ۱۳- باران اندک- مریض- خمیرمایه ۱۴- از گردشگاه‌های زیبای تبریز- تغییر و دگرگونی- رها ۱۵- پریشان- جنگ‌افزارها- هم‌داستان رامین

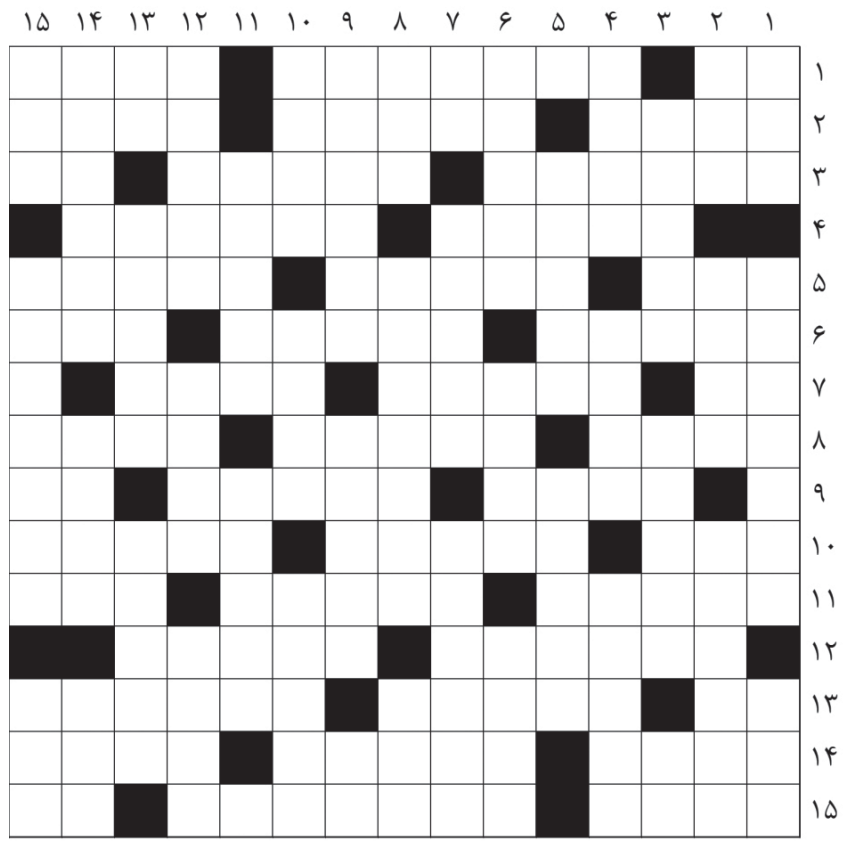

حل سودوکو سخت

۹	۸	۶	۲	۱	۷	۴	۵	۳
۳	۵	۷	۸	۴	۶	۹	۱	۲
۱	۴	۲	۳	۹	۵	۷	۸	۶
۴	۶	۵	۹	۲	۸	۳	۷	۱
۲	۷	۹	۵	۳	۱	۶	۴	۸
۸	۳	۱	۶	۷	۴	۵	۲	۹
۶	۱	۴	۷	۸	۳	۲	۹	۵
۵	۹	۸	۴	۶	۲	۱	۳	۷
۷	۲	۳	۱	۵	۹	۸	۶	۴

حل سودوکو ۳۴۶۸

۵	۹	۴	۳	۱	۶	۲	۷	۸
۱	۳	۲	۴	۷	۸	۵	۶	۹
۶	۸	۷	۹	۲	۵	۴	۱	۳
۲	۴	۶	۷	۸	۳	۱	۹	۵
۷	۵	۳	۱	۴	۹	۸	۲	۶
۹	۱	۸	۵	۶	۲	۳	۴	۷
۳	۲	۹	۶	۵	۱	۷	۸	۴
۸	۷	۵	۲	۹	۴	۶	۳	۱
۴	۶	۱	۸	۳	۷	۹	۵	۲

حل جدول ۴۴۷۲

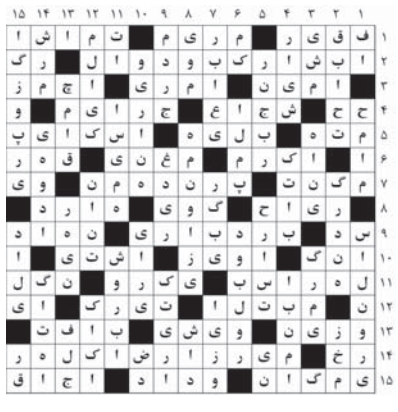

سودوکو سخت ۳۴۶۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵			۹		۶	۳	
	۸						۵	
۴			۳		۱			۹
				۳	۶			
۲			۷		۹			۶
			۱	۲				
۶			۴		۵			۷
	۱						۶	
	۴	۲		۱			۹	

سودوکو ساده ۳۴۶۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۲	۸	۵			
		۸			۳		۵	۶
۹			۴		۶	۱	۲	
۶	۵				۹			
۷	۸		۵		۴		۱	۹
			۱				۷	۲
	۶	۹	۸		۷			۳
۸	۲		۳			۹		
			۶	۹	۲			